

سواد و هنر

از دکتر مهدی فروغ



سواد یعنی علم به خواندن و نوشتن. وی سواد کسی است که خواندن و نوشتن نداند. در هیچ نقطه‌ای از جهان کسی را در گذشته و حال نمیتوان یافت که از نعمت عقل سلیم برخوردار باشد و فوائد خواندن و نوشتن را تصدیق نکند. در هر یک از زبانهای ملل جهان و حتی در زبانهای اقوام کوچک هزارها مثال و شاهد و دلیل و نظیر در تأیید آن میتوان یافت. از روزی که بشر فکر کردن آموخته در این صدر بوده است که اندیشه و پندار خود را با بکار بردن علائم و نشانه‌هایی به هم نوع خود منتقل کند و دیگر افراد بشر را بتمايلات و هیجانان و خوشی‌ها و ناخوشی‌های زندگی خود آگاه سازد. بانواع تمهیدها متوسل شده، تدابیر کوناگونی اندیشیده است که بتواند امیدها و بویه‌های خود را برای دیگران یا برای بازماندگان باقی گذارد زمانی افکار و مقاصد خود را بکمک تصاویر بدیگران انتقال میداد. اگر يك شکارچی سه خط عمودی میکشید و در دنبال آن گوزنی نقش میکرد نشانه آن بود که سه گوزن برای فروش آورده است. در یونان قدیم مبلغ مالیات را با علامتی بهمین کیفیت مشخص میساختند. این شیوه نوشتن در بسیاری از کشورهای جهان معمول بود و هنوز هم در بین بعضی از قبائل ابتدائی متداول است. هر چه نیروی تفکر و تصور بشر بیشتر میشد بیان آن بصورت مکتوب مشکلتر میکشت. بتدریج ب فکر این افتاد که از این مرحله قدم فراتر گذارد و بجای

تصویر اشیاء، عقائد و معانی را تحریر کند. تصویر مردی بادنده‌های بیرون دویده، معرف قحطی و کرسنگی، و چشمی که از آن قطره اشکی فرو می افتاد نشانه هم و اندوه بود. بشر روز و شب در این راه تلاش و کوشش میکرد که وسیله جامعتر و کاملتری برای بیان احساسات و افکار خود بیابد. سومریها - بابلیها - مصریها - چینیها و دیگر اقوام متدین باستان همه در حل این مشکل میکوشیدند ولی اختراع الفبا که آخرین محل این تکاپو بود نصیب ملت کوچک ولی متدین فینیقی که در سواحل سوریه فعلی و کنعان قدیم ساکن بود گردید. و این بزرگترین خدمتی است که از طرف این ملت به بنی نوع آدم شده است.

الفبا عبارت از تعدادی علامت قراردادی است که هر یک معرف صوت یا بیان مخرج بخصوص است و اکنون چندین قرن است که بشر با ترکیب آنها اندیشه و پندار خود را بر تنه سنگها و تنه درختها نقر، یا بر روی صفحات کتاب منعکس کرده است. با اختراع الفبا بشر راه روشن سعادت را که سالها در جستجوی آن بود پیدا کرد. به نیت و مراد و مقصود همنوع خود آشنا شد و بیم و هراسش از یکدیگر زایل گردید. در سایه انتقال فکر افراد یکدیگر، تمدن و فرهنگ روز بروز بسوی ترقی پیش رفت تا به امروز که هوای تسخیر فضا را دارد. اگر اختراع الفبا نبود امکان نداشت بشر امروز باین پایه از تمدن برسد. اهمیت این اختراع بعدی است که بعضی از غیر اندیشان بشر برای نزدیک ساختن اقوام و ملل مختلف و آشنا نمودن آنها به افکار یکدیگر درصدد این برآمدند که یک زبان و الفبای مشترک تعبیه کنند که تمام افراد متعلق به اقوام و قبیله‌ای که باشند بتوانند به سهولت مراد و منظور خود را بدیگری بفهمانند. تمام این تلاش و تکاپو برای اینست که معرفت و کمال و بینش اولاد آدم بیشتر شود و قدرت ادراکش ترقی کند.

در تاریخ علم و هنر و تمدن بشر نخستین بار در اواسط قرون وسطاست که بموازات و همزمان با نهضت‌های مذهبی بموضوع مبارزه با بنی سوادى سرخورد میکنیم شاید این اولین باری باشد که این اختراع به لوتربیشوای مسلک پروتستان و همراهانش نسبت داده میشود. اگر چنین باشد باید گفت که حق بزرگی از این مرد با فرهنگ سلب گردیده که باید جبران شود زیرا با پیدایش آئین پروتستان خواندن و نوشتن تقریباً اجباری شد. پیشوایان این نهضت عظیم مذهبی معتقد بودند که همه پیروان مسیح باید از عهد خواندن کتاب مقدس انجیل بر آیند. این نخستین انگیزه‌ای بود که بانیان فرهنگ و تمدن بشر برای پیشرفت‌های مقاصد خود که تمییم علم و دانش بود بآن متوسل شدند. تا آن روز تحصیل دانش در خانه‌دان اعیان و پیشوایان مذهبی انحصاری بود و جز ایشان کسی را توانائی این نبود که به کسب دانش بپردازد. لوتر و همراهانش این سد سیاه جهل را شکستند. اگر امروز ملاحظه میکنیم که از موقع پیدایش نهضت‌های مذهبی پروتستان در نواحی مرکزی اروپا و پس از نفوذ آن نهضت بمناطق شمالی و

غربی آن قاره، چندین قرن است که تمدن و فرهنگ بشر بیشتر از نقاط دیگر جهان ترقی کرده و به اعلا درجه کمال رسیده است دلیلش را باید در همین نهضت فرهنگی یعنی تعمیم سواد جستجو کرد و لا غیر. قبل از آن تاریخ پیشوایان آئین کاتولیک در این راه قدمی برنداشته و اهتمامی بخرج نداده بودند. علم و دانش را در کلیساها حبس کرده بودند و بهمین جهت تا همین امروز هم تعداد افراد بی سواد در کشورهای کاتولیک مذهب بر نقاط پروتستان مذهب براتب فزونی دارد. مخترعان و مکتشفان بزرگ و نویسندگان و فلاسفه و هنرمندان گرانمایه عموماً از کشورهای پروتستان برخاسته اند. افکار نو و راه و رسم های بدیع اغلب از آن نواحی ظهور کرده و میکنند.

پس از پیدایش آئین پروتستان مدت مدیدی کلیساها و انجمن های دینی کار تعلیم و تربیت عمومی را در اروپا بعهده گرفتند. و باین ترتیب لزوم داشتن سواد چه از لحاظ دینی و چه از لحاظ دیگر ب مردم تلقین شد معلمان بزرگ عموماً پیشوایان مذهبی بودند. امروزه هم وقتی به احصایه افراد بی سواد کشورهای جهان مراجعه میکنیم میبینیم تعداد بی سوادان در کشورهای مزبور براتب کمتر است بدین معنی که در کشورهای سوئد و نروژ و دانمارک و آلمان و فرانسه و انگلیس و کشورهای که افرادش از این نواحی مهاجرت کرده اند مثل امریکا و کانادا نسبت افراد بی سواد از ۳ درصد تجاوز نمیکند در صورتیکه در کشورهای ایتالیا و اسپانیا هنوز هم بین ۲۵ تا ۲۸ درصد و در کشور پرتغال و کشورهای نواحی بالکان از این هم براتب بیشتر است. نسبت تعداد افراد با سواد و بی سواد در هر کشور معرف رشد فکری و فرهنگ عمومی آن کشور است.

در کشورهای اسلامی با وجود تأکیدهای فراوانی که بصورت حدیث و خبر و روایت در تعلیم علم و سواد شده جای بسی تأسف است که بی سوادی موجب عدم رشد فکر عمومی و عقب ماندگی و واماندگی از قافله تمدن گردیده است. اگر بگوئیم بی سوادی موجب شده که زندگی مردم این نواحی عموماً آشفته و گریه باشد افرای ننگه افکار، و احساسات متضاد و متباین، اختلافات بنیان کن و خانه خراب کن و راه و روش های نابسامان همه از مختصات مللی است که افراد آن از برکت سواد بی نصیب مانده اند. مطابق آخرین احصایه های سازمان یونسکو تعداد افراد بی سواد در کشورهای اسلامی عموماً از حدود نود درصد تجاوز میکنند. بزرگان کشور ما در صدر شروط طیت شرط عمده و حتی بعضی از آنها تنها شرط لازم ارتقای کشور ما را منوط به تعمیم سواد دانسته اند و با خون دل و کوشش و مجاهدت زیاد بتاسیس مدارس پرداختند و حق هم همین بود. ارتباط هنر با سواد عمومی رابطه مستقیم دارد بدون تردید مظاهر هنری در هر کشوری که افرادش از نعمت سواد برخوردارند قویتر و عمیقتر است. ما به کرات گفته ایم و باز هم با صدای بلند میگوئیم که هنرهای زیبا که امروزه بکوشش و همت هنرهای زیبای کشور در سرزمین ما رونق یافته بآن سرعتی که دلخواه است پیش نخواهد رفت مگر وقتی که عموم افراد کشور لا اقل از نعمت خواندن و نوشتن بهره مند باشند.

بهین جهت شاید بتوان گفت که وظیفه هنرهای زیبای کشور در این زمینه از سایر تأسیسات فرهنگی سنگین تر است. مادام که قاطبه مردم کشور ما از خواندن و نوشتن بی بهره باشند هنر بمعنی واقعی کلمه نضج نخواهد گرفت بخصوص هنرهایی که کیفیت اجتماعی آن قویتر باشد مثل موسیقی و تئاتر. مادام که مردم بی سوادند افراد ناباب باداعیه های نادرست بنام هنر به انحراف ذوق عمومی میپردازند و وضعی پیش می آورند که اصلاح آن کاری بس دشوار خواهد بود.

فقط بساداشتن اجتماع سالم میتوان به پرورش و ترقی هنرهای زیبا امیدوار بود و اجتماع سالم تنها موقعی میسر است که عموم مردم کشور از نعمت خواندن و نوشتن بهره مند باشند.

شنیده شده است که دولت فعلی قصد دارد بمسائل هنری توجه خاصی مبذول دارد. بشارت و فوز عظیمی است. امید است در جستجوی راه و رسم مناسب و صحیح برای انجام یافتن این مقصود بزرگ ملی و فرهنگی مطالعه و توجه کافی مبذول گردد تا بخواست خداوند نتیجه مثبت باشد.



شعبه کتابخانه و اطلاع رسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی